مقاله/ از فروغ جاویدان تا جهنم مِرصاد

۳۱ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۹:۴۴

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی ایران و اعلام آتش بس با عراق، گروهک منافقین که در طول جنگ نقش ستون پنجم و اهرم فشار بر جمهوری اسلامی را ایفا کرده بودند در نقش ارتش خصوصی صدام و با خیال اینکه نیروهای مردمی از جنگ خسته اند شعار از مهران تا تهران در ۳ روز را سر دادند که این عملیات بعدها به عملیات مرصاد معروف شد

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی ایران و اعلام آتش بس با عراق، گروهک منافقین که در طول جنگ نقش ستون پنجم و اهرم فشار بر جمهوری اسلامی را ایفا کرده بودند در نقش ارتش خصوصی صدام و با خیال اینکه نیروهای مردمی از جنگ خسته اند شعار از مهران تا تهران در ۳ روز را سر دادند که این عملیات بعدها به عملیات مرصاد معروف شد.

همزمان با ایام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران که سازمان مجاهدین در بلاتکلیفی شدیدی به سر می‌برد، رجوی توانست صدام حسین را متقاعد کند که قبل از بسته شدن کامل مرزها و اجرای قطعنامه۵۹۸ سازمان ملل، به سازمان مجاهدین اجازه آخرین حمله به خاک ایران را بدهد. در حالی که عراق با بازپس‌گیری اغلب مناطقی که طی سال‌های گذشته از دست داده بود. می‌رفت تا با اقدامات بعدی صحنه نبرد را بیش از پیش به نفع خود تغییر دهد. پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از سوی ایران در تاریخ ۲۷/۴/۱۳۶۷ موجب گردید ارتش عراق در اقدامی شتاب زده، منطقه خوزستان را بار دیگر مورد هجوم گسترده قرار داده و تا جاده اهواز ـ خرمشهر پیشروی کند و خرمشهر را نیز در معرض تهدید قرار دهد. این تهاجم عراق ـ که دو بار دیگر نیز تکرار شد ـ با مقاومت شدید سپاهیان اسلامی خنثی و ارتش عراق تا مرز، عقب رانده شد. به این ترتیب، دشمن در حالی که از تصرف خوزستان ناامید شده بود، برای صدام حسین، این لشکرکشی در آخرین روزهای جنگ، یک ریسک بود که در آن در هر حال او بازنده نبود. اگر مجاهدین خلق می‌توانست پیروز شود و حکومت اسلامی را براندازد، صدام یک نیروی وفادار و مستعد خود را در خاک همسایه داشت و به آرزویی که در تمام دوران جنگ داشت می‌رسید؛ در صورتی هم که سازمان شکست می‌خورد، باز هم برای صدام اهمیت نداشت و وضع تغییری نمی‌کرد. در اوایل مرداد ۱۳۶۷، رجوی نشستی با شرکت همه نیروها در قرارگاه اشرف برگزار کرد. در این نشست، رجوی نقشه راه‌ها و جاده‌ها را از مرز ایران و عراق تا تهران بر روی نقشه نشان داد. او حتی محل اقامت خود را در شهر تهران مشخص کرد و ادعا کرد که مردم به محض ورود ما به ایران، به یاری ما می‌شتابند و به ارتش آزدی‌بخش می‌پیوندند.

در روز ۳ مرداد ۱۳۶۷، نیروهای مجاهدین از محور سرپل ذهاب وارد ایران شدند و به سرعت تا نزدیکی شهر "کرند" پیش رفتند. علت عدم درگیری تا این محل با نیروهای ایران، یکی این بود که توپ‌خانه عراق تا بعد از سرپل ذهاب از پیشروی مجاهدین حمایت فعال می‌کرد. دیگر اینکه، طبق گفته‌های بعدی هاشمی رفسنجانی، حکومت اسلامی، آگاهانه برای ارتش آزادی‌بخش مسعود رجوی تله گذاشته بود. به بیان خود رفسنجانی: «ما در را باز کردیم تا همه را درون کیسه کنیم و درش را ببندیم».

در این عملیات که سازمان مجاهدین آن را عملیات فروغ جاویدان نامیدند، رجوی خود شخصا و مطابق معمول، شرکت نداشت و از داخل خاک عراق، عملیات را هدایت می‌کرد. فرمان آتش را نیز مریم رجوی و البته از محل امنی در خاک عراق صادر کرد.

در آن تاریخ نیروهای نظامی موسوم به سازمان مجاهدین خلق از تنگه پاتاق تا منطقه چهارزبر در ۳۴ کیلومتری کرمانشاه را با سرعت خیلی زیاد طی کردند. علت سرعت بالای حرکت ستون های نظامی مجاهدین عدم حضور قوای نظامی در غرب کشور بود. به دلیل هجوم سنگین ارتش عراق به جبهه جنوب(استان خوزستان)بخش عمده ای از توان نظامی ایران در جبهه های جنوب غربی مشغول دفع تهاجم عراق بودند به همین دلیل عملا در برابر حرکت ستون های مجاهدین مقاومتی وجود نداشت. نیروهای ایران در جایی که نیروهایشان برتری نسبی داشت به کمین نشستند و در منطقه چهار زبر، با خاکریز و یک خط دفاعی مستحکم در انتظار ایشان بودند. یکی از گردان های عملیاتی در این جبهه گردان مقداد از لشگر ۲۷ محمد رسول الله بود .

این عملیات سه روز به طول انجامید که در روز اول هدف سد کردن هجوم مجاهدین خلق بود. در روز اول عملیات نیروی هوایی وارد عمل نشد زیرا در آن زمان پایگاه نوژه بمباران شده بود و انجام عملیات پاکسازی باند فرود قدری فرصت را از آنها گرفت و به همین دلیل نیروی هوایی با یک روز تاخیر عملیات را ادامه داد

در روز دوم حرکت نیروی زمینی صورت گرفت که با پشتیبانی بسیار قوی نیروی هوایی و هوانیروز همراه شد و در روز سوم

یگان‌های مجاهدین خلق به کلی منهدم شد. فرماندهی این عملیات بر عهده علی صیاد شیرازی بود که در سال ۱۳۷۸ توسط گروهک منافقین به شهادت رسید.

واژه عربی «مرصاد» به معنی کمین است و بخاطر کمین برنامه ریزی شده‌ای که نیروهای نظامی انجام داده بودند اینگونه نام گرفت.

شرح عملیات

هدفانهدام عناصر ضد انقلاب (منافقین)

استعداد دشمن

منافقین، حدود ۳۰ تیپ رزمی جهت تهاجم خود به خاک ایران تشکیل داده بودند. هر تیپ ۱۷۰ نفر نیروی رزمی (۲۰ زن و ۱۵۰ مرد) در اختیار داشت که به همراه نیروهای پشتیبانی به ۲۸۰ نفر می رسید و دارای دو گردان پیاده، یک گردان تانک، یک گردان ادوات و یک گردان ارکان و پشتیبانی رزم بود. تعداد کل نیروی رزمنده حدود ۵۲۰۰ نفر و نیروی در صحنه به حدود ۷۰۰۰ نفر می رسید.

تجهیزات منافقین نیز عبارت بود از:

۱۲۰ تانک سبک کاسکا و پل برزیلی، ۴۰ نفربر PMP، ۳۰ توپ ۱۲۲ میلی‌متری، حدود ۲۴۰ خمپاره، ۱۰۰۰ آرپی جی هفت، ۷۰۰ تیربار، ۲۰ توپ ۱۰۶ میلی‌متری، ۶۰ مسلسل دوشکا و حدود ۱۰۰۰ خودرو.

هدف منافقین از حمله در عمق خاک ایران، با چندین تانک برزیلی دجله (دارای چرخ های لاستیکی و سرعتی معادل ۱۲۰ کیلومتر در ساعت)، تسخیر چندین شهر و در آخر رسیدن به تهران و بدست گرفتن قدرت بود، بر طبق زمانبندی، نیروها بایستی ساعت ۶ بعد از ظهر روز دوشنبه ۳ مرداد به کرند و ساعت ۸ شب به اسلام آباد و ۱۰ شب به کرمان شاه رسیده و در این شهر، دولت خویش را اعلام نمایند. اگر چه در ساعت های مقرر به کرند و اسلام آباد رسیدند، اما در مسیر اسلام آباد - کرمان شاه و گردنه حسن آباد، از پیشروی آن ها جلوگیری شد.

در این عملیات (فروغ جاویدان) منافقین با ۲۵ تیپ (هر تیپ ۲۰۰ نفر) شرکت داشتند و بدین ترتیب مجموعاً بین ۴ تا ۵ هزار نیروی عملیاتی وارد ایران شدند. مقارن ساعت ۱۴:۳۰ در تاریخ ۳/۵/۶۷ منافقین و ارتش عراق عملیات مشترک خود را با هجوم زمینی از طریق سرپل ذهاب و هلی برد از جنوب گردنه پاطاق (نزدیکی سرپل ذهاب) آغاز و به طرف شهر کرند غرب پیشروی کردند و حدود ساعت ۱۸:۳۰ اولین تانک های عراقی با آرم منافقین وارد شهر شدند و پس از تصرف شهر به طرف اسلام آباد غرب پیشروی کرده، به محض رسیدن به مدخل شهر، اقدام به قطع برق و ارتباط مخابراتی و هم چنین تیراندازی و آشفته نمودن اوضاع کردند. تعدادی از نیروهای سپاه و مردم با آنان درگیر شدند که به علت عدم انسجام نیروها و آمیختگی منافقین با مردم، اوضاع از کنترل نیروهای نظامی خارج، و شهر به تصرف آن ها در آمد. سپس با استفاده از تعداد زیادی تانک دجله و خودرو نیروهای پیاده به طرف کرمان شاه عزیمت کردند که در منطقه حسن آباد (۲۰ کیلومتری اسلام آباد) به دلیل سازماندهی جدید رزمندگان ایرانی و جمع آوری نیرو، منافقین زمین گیر شدند. نیروهای خودی در فاصله ۲۰۰ متری آنان در ارتفاعات چهارزبر ضمن تشکیل خط پدافندی با آنان درگیر شده، و بعد از ظهر ۴ مرداد با محاصره شهر اسلام آباد، به منظور انسداد عقبه و راه فرار، سه راه اسلام آباد - کرند را قطع، و آن ها را محاصره کردند. نیروهای اسلام در روز ۵ مرداد عملیات مرصاد را به رمز یا علی بن ابی طالب (ع) آغاز نمودند و طی چندین ساعت، صدها تن از منافقین را به هلاکت رسانده، و مابقی را به فرار وا داشتند. در این عملیات، رزمندگان اسلام از قسمت سه راهی اهواز (پشت پمپ بنزین اسلام آباد) دشمن را دور زدند و تلفات زیادی به منافقین وارد کردند. در این عملیات بیش از ۲۵۰۰ تن از منافقین به هلاکت رسیدند و بیش از چهارصد دستگاه خودرو، نفربر و تانک آنان منهدم شد.هلاکت

رساندن حدود ۲۰۰۰ نفر و به اسارت درآوردن ۲۵۰ تن از نیروهای دشمن است.

بدین ترتیب در روزهای بعد دیگر اثری از نیروهای مجاهدین خلق در منطقه نبود. گزارش‌های خبری تعداد کشته‌های منافقین را دراین عملیات بین ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰نفر ذکر کردند.

شکست سنگین سازمان مجاهدین خلق در عملیات مرصاد ضربه شدیدی بر روحیه باقی مانده نیروهای این سازمان وارد آورد. بسیاری از افراد سازمان که به اسارت درآمده بودند، از سرخوردگی و بن‌بست سازمان سخن به میان می‌آوردند و بسیاری دیگر نیز که موفق به فرار از سلطه سازمان شده بودند، به ایران بازگشته و یا به کشورهای اروپایی رفتند. صدام نیز ۱۰ روز پس از این شکست با برقراری آتش بس در تمام طول خطوط جنگ موافقت کرد. عملیات مرصاد نقطه هزیمت سازمان مجاهدین خلق درعراق بود. سازمان درپی این عملیات و تحولاتی که در روابط ایران و عراق به وجود آمد هر روز و بیش از پیش منزوی شد.

آدرس مطلب :
https://www.cafetarikh.com/news/۲۰۱۲۸/مقاله-فروغ-جاویدان-جهنم-م-رصاد